

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره  
 موضوع جزئی: آیه ۳۶ \_ معنای کلی آیه \_ ارتباط آیه با آیات قبل و بعد \_  
 تاریخ: ۲۴ آذر ۱۳۹۹  
 مصادف با: ۲۸ ربیع الثانی ۱۴۴۲  
 جلسات: ۲۵  
 مفردات آیه

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَاللَعْنُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ﴾

**معنای کلی آیه**

بحث در آیه ۳۵ تقریبا به پایان رسید. آیه ۳۶ این است:

«فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ».

معنای کلی این آیه این است: بعد از اینکه خداوند تبارک و تعالی به آدم امر کرد که در بهشت سکنی گزینید و او را از استمتاع از شجره ممنوعه نهی فرمود، شیطان ازلال کرد آن دو را؛ «فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ». شیطان باعث شد آدم و حوا دچار لغزش شوند به واسطه آن شجره. پس شیطان آن دو را از آنچه که در آن بودند اخراج کرد. آنچه که آن‌ها در آن بودند، نعمت محض بود. انواع نعمت‌های الهی در بهشت بدون هیچگونه تعب، رنج و گرسنگی و تشنگی.

«وَقُلْنَا اهْبِطُوا» یک جمله مستقل است. بعد از این که شیطان باعث لغزش آن‌ها شد، می‌گوید ما دستور به هبوط دادیم و به این‌ها گفتیم هبوط کنید. «بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ»، بعضی از شما برای بعضی دیگر دشمن هستید.

«وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ»، بروید در زمین استقرار پیدا کنید و بهره‌مند شوید منتهی الی حین، یعنی تا یک زمانی. اینطور نیست که ماندن شما در زمین و استمتاع و بهره‌مندی شما در زمین دائمی باشد، بلکه موقت است. پس خداوند متعال، نهی کرد آدم را اما شیطان کاری کرد که آدم و حوا گرفتار لغزش شوند و باعث شد آن‌ها از همه آن نعمت‌ها محروم بمانند و خداوند آن‌ها را از بهشت بیرون براند. آنوقت خداوند میفرماید ما به این‌ها گفتیم شما هبوط کنید، نزول کنید و فرود آید از مقام تان در بهشت، چه اینکه بعضی از شما دشمن بعضی دیگر است و بروید در زمین که آنجا هم ماندن و بهره‌مندی شما موقت است.

این معنای کلی آیه است. فعلا قصد تفسیر آیه را نداریم بلکه می‌خواهیم معنای کلی آیه را بیان کنیم چون در تفسیر این آیه مطالب متعددی مطرح است که باید این‌ها را یک به یک ذکر کنیم.

**ارتباط آیه با آیات قبل و بعد**

طبق معمول ابتدا از ارتباط این آیه با آیات قبل و بعد سخن می‌گوییم. اینجا ارتباط این آیه با آیات قبل و بعد کاملا روشن است و نیازی به توضیح ندارد. در آیه قبل خداوند متعال به آن‌ها دستور سکونت در بهشت داد منتهی از خوردن میوه یک درخت منع کرد و گوشزد نمود که اگر چنین کنید، عواقب و مشکلاتی برای شما خواهد داشت. این ادامه همان داستان و ماجرا است.

بعد از سکونت و نهی خداوند، شیطان آن‌ها را گرفتار لغزش کرد.

ادامه اش هم داستان نقل شده و آیه بعد هم ارتباطش کاملا با این معلوم است. منتهی در این آیات بر خلاف آیات سوره طاها و اعراف، چندان جزئیات ذکر نشده بلکه مسئله به صورت کلی تر بیان شده ولی در آن آیات همچنان که خواهد آمد مسئله مقداری جزئی تر ذکر شده است و ما هم در همین حد اکتفا می‌کنیم. پس تناسب یا ارتباط این آیه با آیات قبل و بعد هم کاملا واضح است و احتیاجی به ذکر بعضی امور که این ارتباط را آشکار کند نداریم.

### مفردات آیه

طبق معمول در ابتدای هر آیه توضیح مختصری درباره مفردات آیه ذکر می‌کنیم.

#### ۱. «ازلال»

در اینجا «ازلال» آمده یعنی شیطان آن‌ها را ازلال کرد. «ازلال» در واقع به معنای وا داشتن به لغزش یا به تعبیر دیگر لغزاندن است. در لغت ریشه ازلال از زَلَل است که به این معنا است که انسان از آن محلی که در آن استقرار دارد جابه جا شود. اصلا لغزیدن در عرف هم معنایش همین است. انسان در جایی ایستاده و استقرار دارد ولی ناگهان یک تکان می‌خورد و جا به جا می‌شود. این غیر از سقوط است، غیر از حرکت من مکانِ اِلی مکان است. لغزش در واقع یک تکان و حرکتی ناگهانی و چه بسا عن غیر عمد و غیر قصد است. مثلا کسی که در جایی ایستاده و پایش سر می‌خورد، قصد جا به جا شدن ندارد بلکه بدون عمد و قصد و با یک دلیلی این اتفاق می‌افتد. در امور تکوینی معنایش کاملا روشن است. مثال واضحش را گفتیم که یک شخصی در جایی پایش لیز می‌خورد و بدون اینکه بخواهد این جابه جایی صورت می‌گیرد.

گاهی هم در امور غیر تکوینی است، یعنی گاهی انسان فریب می‌خورد و به او نیرنگ می‌زنند و این باعث می‌شود که یک جا به جایی از برنامه، کار و مقرش پیدا کند.

پس شیطان باعث شد آدم و حوا لغزش پیدا کنند، یعنی آن‌ها را لغزاند و اینطور نبود که آن‌ها را به کلی از مسیر دور کند، بلکه یک لحظه آن‌ها را لغزاند و البته دوباره وقتی برایشان آن مسائل پیش آمد، برگشتند البته اینکه این لغزش چگونه بود و شیطان چه کرد، بحث‌هایی است که در مقام تفسیر ذکر خواهیم کرد و فعلا این لغت و واژه را شرح می‌دهیم.

#### فرق «ازلال» با «اذلال» و «اضلال»

در کنار ازلال ما دو لغت و واژه دیگر هم داریم که فرق بین آن دو واژه و لغت باید توضیح داده شود. یکی «اذلال» و دیگری «اضلال» است، اتفاقا هر سه این‌ها هم به شیطان نسبت داده می‌شود.

«اذلال» هم به شیطان نسبت داده می‌شود، منتهی به معنای خوار کردن و ذلیل کردن است. اگر شیطان کاری کند که انسان ذلیل و پست شود در مقابل عزت که در سایه ایمان برای انسان حاصل می‌شود، اینجا می‌گویند اذلال کرد. «أذله الشيطان» یعنی شیطان او را ذلیل کرد. پس این هم به شیطان نسبت داده می‌شود.

«اضلال» به معنای گمراه کردن است. یعنی شیطان کاری کند که انسان گمراه شود و راه را گم کند و یا هدف را گم کند و در مسیر نادرست قرار بگیرد.

شیطان هر سه کار را انجام داده و می‌دهد. هم ازلال می‌کند، هم اذلال می‌کند، و هم اضلال. یعنی هم می‌لغزاند، و هم او را حقیر و فرومایه و پست می‌گرداند و هم او را گمراه می‌کند. پس ازلال به این معنا است و فرقی هم با آن دو واژه دیگر اجمالاً معلوم شد.

سوال:

استاد: خیر، این‌ها هر کدام خودشان مراتب دارند چون اضلال به معنای گناه هم مراتب دارد، پست کردن و ذلیل کردن هم مراتبی دارد.

سوال:

استاد: بین خود این‌ها هم مراتبی وجود دارد که ممکن است به حسب ترتب آثار با یکدیگر متفاوت باشند. فرض کنیم در قدم اول لغزاندن است، در قدم دوم گمراه شدن است، یعنی کسی که راه را گم کند و در قدم سوم پست شدن و حقیر شدن. یعنی نتیجه راه و هدف را گم کردن این است که انسان ذلیل شود. اما لزوماً یک قاعده نیست. گاهی هم ممکن است اذلال به معنای فرومایگی و پستی سر از گمراهی در بیارد.

## ۲. «أخرجهما»

خداوند متعال اخراج آدم و حوا از بهشت را به شیطان نسبت داده در حالی که خود خداوند بعدش میفرماید: «قُلْنَا اهبطوا»، ما به این‌ها گفتیم فرود بیایید و نازل شوید و بروید بیرون؛ چطور می‌شود که اخراج اسناد به شیطان داده شود؟ این معلوم است چون ریشه و سبب خارج شدن انسان و اینکه خداوند به او امر کرد که از بهشت بیرون شو، خود شیطان بوده یعنی وسوسه او بوده که باعث این اتفاق شده است.

## ۳. «مما كانا فيه»

یعنی آخرجهما از آنچه آن دو در آن بودند. از آنچه که داشتند و در آن بودند. این به یک معنا تعظیم و تکریم و بزرگ کردن نعمت‌های خداوند و خود آدم است. با توجه به اینکه قبلاً فرموده که بروید در بهشت ساکن شوید. مانند کسی که یک ثروت عظیمی در این دنیا داشته باشد و آنوقت ورشکست شود و در توصیف وضع او بگویند آنچه که داشت را از دست داد و دیگر یک به یک ذکر نمی‌کنند که چه چیزهایی داشت. خدا هم قبلش فرموده «یا آدم أسكن أنت و زوجک

الجنة و كلا منها رَعْدًا حَيْثُ شَتُمَا». اجمالی از اوضاع و احوال بهشت را قبلا بیان کرده و حال میفرماید از آنچه که در آن بودند اخراج کرد. اینجا در واقع می‌خواهد بگوید خیلی چیزها داشتند و یکدفعه همه را از دست دادند.

#### ۴. «قلنا»

اینکه به ضمیر جمع فرموده، طبیعتا به سیاق قبلش است. به هر حال یا به اعتبار تکریم و تعظیم خودش یا به اعتبار اینکه به وساطت ملائکه و فرشتگان این اتفاق افتاده تعبیر قلنا به کار برده است.

#### ۵. «اهبطوا»

«اهبطوا» هم معنایش معلوم است که فرود بیاید و نزول پیدا کنید. یعنی از بالا به پایین فرود بیاید که این کنایه از سقوط منزلت و موقعیت است.

این نکته را هم باید عرض کنم که چرا ضمیر جمع بکار برده شده چون قبلش فرموده: «فأزلهما الشيطان فأخرجهما» اما اینجا میفرماید: «قلنا اهبطوا»، یعنی قبلا گفت آن دو نفر را شیطان اخراج کرد، اما الان می‌گوید همه شما هبوط کنید و به صورت جمع آورده است. اینجا به حسب ظاهر یعنی آدم، حوا و شیطان و کآن به هر سه دستور به هبوط می‌دهد. یک بحثی در اینجا هست و در آینده هم خواهیم گفت که آیا معنایش این است که شیطان یک بار به واسطه مخالفت با امر خداوند و سجده نکردن به آدم از درگاه الهی رانده شده بود. آنوقت در اینجا دوباره یک هبوط دومی برای او پیش آمد. این را بعدا توضیح خواهیم داد. اما اجمالا آیه ظهور در این دارد که وقتی شیطان آن‌ها را گرفتار لغزش کرد و وسوسه کرد و باعث شد این‌ها از آن موقعیت و جایگاه و نعمت‌ها تنزل کنند، هبوط کرد. یعنی هم آدم، هم حوا و هم شیطان.

#### ۶. «بعضکم لبعضِ عدو»

سپس میفرماید: «بعضکم لبعضِ عدو»، چرا این جمله را در اینجا بیان فرموده؟ اینکه میفرماید بعضی از شما برای بعضی دیگر عدو هستید، در واقع عدو از ریشه عدو و به معنای تجاوز است. اساسا هر کسی که از حد خودش به حریم دیگر تجاوز کند، می‌شود عدو او. درست است که لفظ دشمن را در رابطه با تجاوزهای خاصی به کار می‌برند؛ مثلا تجاوزات شدید و غلیظ و در امور مهمه. در موارد یسیر لفظ عدو را به کار نمی‌برند. اگر قرار باشد لفظ عدو را برای هر تجاوزی به کار ببرند، باید بگوییم همه ما دشمن یکدیگر هستیم چون خیلی از ما به حریم یکدیگر تجاوز می‌کنیم.

به هر حال، «بعضکم لبعضِ عدو» کآن اشاره دارد به ریشه امر به هبوط و آن هم دشمنی شیطان با آدم است. میفرماید: «قلنا اهبطوا»، یعنی هر سه بروید چون بعضی از شما عدو بعضی دیگر هستید.

اینجا یک احتمال این است که به دشمنی انسان‌ها با یکدیگر اشاره می‌کند و اینکه بالاخره بعضی از شما انسان‌ها دشمن بعضی دیگر هستید. این هم حرفی درست است و غلط نیست چون بالاخره این دشمنی در بین انسان‌ها وجود دارد مخصوصا اینکه وقتی روی زمین می‌آید، به مرور این دشمنی‌ها آشکار تر و عمیق تر می‌شود، اما به نظر می‌رسد که این جمله در این مقام در صدد بیان این مطلب است که اگر هبوط برای شما اتفاق افتاد، ریشه اش دشمنی بعضی از شما با

بعضی دیگر است. یعنی دشمنی شیطان با شما. یعنی هبوط به دلیل دشمنی شیطان با شما اتفاق افتاد. پس ارتباط این آیه اینطور روشن می‌شود. یعنی مسئله عداوت بعضی از شما با بعضی دیگر باعث هبوط شما شد. چون بعدش هم می‌گوید: «و لکم مستقرّ و متاعٌ إلی حین».

من گمان می‌کنم که این توضیح برای «بعضکم لبعض عدو» مناسب تر است. یعنی می‌خواهد بگوید اگر شیطان شما را لغزاند و اگر من گفتم که هبوط کنید، به خاطر عداوت شیطان نسبت به شما دو نفر است و او به حریم شما دو نفر نفوذ کرد. تا این دشمنی وجود دارد و تا شما مقهور این عداوت هستید و غافل می‌شوید، باید بروید به زمین و دوباره قوس صعود را طی کنید و به اینجا برسید.

#### ۷. «و لکم فی الأرض مستقرّ و متاعٌ إلی حین»

در ادامه واژه‌هایی ذکر شده که نیاز به توضیح ندارد.

#### الف. «مستقر»

که معنایش معلوم است و به معنای محل استقرار است. «لکم فی الأرض مستقر»، یعنی محل استقرار شما زمین است.

#### ب. «متاع»

منظور بهره مندی‌های شما در زمین است یعنی زمین هم محل استقرار شما است و هم محل بهره مندی شما.

#### ج. «إلی حین»

یعنی تا یک زمانی و می‌خواهد محدود و موقت کند و می‌خواهد بگوید ماندن و بهره مندی شما از زمین دائمی نیست بلکه إلی حین است. این به سرنوشت تمامی انسان‌ها اشاره می‌کند کأنّ می‌خواهد بگوید تو و فرزندان در زمین تا یک زمان مشخصی خواهید ماند و تا یک زمانی استقرار دارید و بهره مند هستید. اشاره به استقرار و استمتاع نوع بشر تا یک زمان معلوم دارد نه شخص آدم و فرزندان او. می‌خواهد بگوید نوع بشر وقتی پا به زمین گذاشت استقرار و بهره مندی او تا یک زمان مشخصی هست. اینکه بعدش چه می‌شود را در اینجا نگفته ولی طبیعتاً آیات دیگری مبین این است و باید در آیات دیگر درباره آن صحبت شود.

این یک توضیح اجمالی در مورد مفردات این آیه و ارتباط این آیه با آیات قبل و همچنین معنای کلی و اجمالی از آیه بود. اما در اینجا باید درباره مطالب بسیاری توضیح داده شود. مثلاً اینکه شیطان چگونه آدم و حوا را وسوسه کرد و ازاله کرد؟ آیا اساساً آدم و حوا شیطان را به چشم دیدند یا شیطان در قلب آن‌ها وسوسه کرد؟ اینجا بحث‌هایی وجود دارد که انشاءالله دنبال خواهیم کرد.

«والحمد لله ربّ العالمین»